

حکم والا شد که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه
اخلاص و ارادت آگاه محمدخان سرکرده چاردولی مفتخر بوده بداند
که متواتراً بعرض والا میرسد که امر دستجات چاردولی بغایت
مغشوش و بی نظم است از طرفی نوروزخان در میان افتاده بعضی را
باستمالت و قسم محرك میشود و بعضی را بشمهرت کاذبه حکم ورقم
اغوی مینماید و روانه آذربایجان میکند و از طرفی دیگر دیگران
ایشان را تحریک میکنند و آنعالیجاه سری در گریبان کسالت و
خموشی کشیده از دور نگاه میکند فایده وجود سرکرده است که اگر
اختلال و اغتشاش در میان دسته و رعیت او بهم رسد بدقت و اهتمام
تمام برفع آن پردازد و تاقدرت و توانائی دارد در نظم امر و اصلاح
کارایشان تقصیر نکند والا از وجود سرکرده چه حاصل تهاون
کسالت را برکنار گذاشته نوروزخان را در میان دستجات و طایفه
مزبور را راه نداده بدقت و اهتمام هرچه تمامتر بنظم کار ایشان
پردازد اگر خانه از طایفه مذکوره بیاید که جا و مکان نداشته باشد
از هیجده دهی که سیاهه در دست دارد جاو مسکن بجهت او مشخص
نموده بعرض کارگذاران برساند تا حکم شود بجهت او خالی کنند
هرگاه بعرض والا رسد یکنفر از طایفه مذکوره بطرفی رفته است
آنعالیجاه مورد مؤاخذه خواهد شد حسب المقرر مرتب دانسته تخلف
جایز ندارند و در عهده شناسند تحریراً فی شهر ذی قعدة الحرام